



بررسی ویژگی‌های فضاهای اجتماعی مناسب در ایجاد حس تعلق به محله (مورد مطالعه: منطقه ۲ شهرداری تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۸/۲۵

سید محسن فاضلیان

استادیار دانشگاه امام صادق (ع) fazeliyan@yahoo.com

محمد رضا قاسمی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

Ghasemi_mr59@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: بی‌شک حس تعلق افراد به مکانی که در آن زندگی می‌کنند، عامل مهمی در جهت پدید آمدن حس مسئولیت‌پذیری و در نتیجه حل بسیاری از مشکلات محله توسط ساکنین می‌گردد. متأسفانه با گسترش شهرها شاهد کم‌رنگ‌تر شدن این حس و نوعی بی‌تفاوتی نسبت به محله در ساکنین می‌باشیم. هدف از این پژوهش شناخت ویژگی‌های فضاهای اجتماعی مناسب در ایجاد حس تعلق به محله می‌باشد.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع پیمایشی است که جامعه آماری منطقه ۲ شهرداری تهران بوده و بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۴۱۱ نفر از افراد بالای ۱۸ سال به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. جهت تحلیل نتایج از آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره در نرم‌افزار spss بهره گرفته شده است.

یافته‌ها: بر اساس نتایج، نظم، امنیت، دسترسی، خوانایی، پیوندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی ارتباط معناداری با حس تعلق افراد به محله داشته‌اند. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای اصلی تحقیق ۷۸ درصد از تغییرات حس تعلق به محله را تبیین می‌کنند. **نتیجه‌گیری:** در مجموع پیوندهای اجتماعی و خوانایی محله از مهم‌ترین ویژگی‌های فضای اجتماعی در ایجاد حس تعلق به محله می‌باشند که لزوم برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای محله را در کنار وجوه کالبدی آن نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: فضاهای اجتماعی، حس تعلق، محله، خوانایی

مقدمه

مقابله نمایند. هر چه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها در مدیریت شهری به همان اندازه بیشتر می‌شود (تقوایی و همکاران ۱۳۸۸، ۳۰). عوامل و شاخص‌های ارزشمندی در محله وجود دارد که حس تعلق افراد به محله را برمی‌انگیزد. به بیان دیگر، این محلات دارای هویت قوام یافته و تعریف شده‌ای است که با وجود همه کاستی‌ها باعث ادامه حیات آن‌ها شده و خود کیفیتی است که ساکنین را به ادامه سکونت ترغیب می‌نماید (نگارستان و همکاران ۱۳۹۰، ۶۰). مهم‌ترین عامل پایداری حس تعلق به مکان^۷ است که می‌تواند به‌عنوان پارامتری در ایجاد تشکلهای اجتماعی و سازمان‌های مردم نهاد (سمن‌ها) در راستای بهسازی و نوسازی محله بکار گرفته شود (محمدی و سجادی ۱۳۹۰، ۵۵). در این میان شناخت فضاهای اجتماعی مناسب جهت شکل‌گیری روابط اجتماعی در ایجاد حس تعلق و ویژگی‌های این فضا از ابعاد گوناگون می‌تواند مدیران شهری را بر اساس رویکرد محله محوری در ایجاد مشارکت‌های مردمی یاری نماید. این پژوهش به این سؤال اساسی پاسخ خواهد داد که ویژگی‌های فضاهای اجتماعی مناسب در ایجاد حس تعلق به محله کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

وارثی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلپه‌هار) مؤلفه‌های هویت شهری متأثر از هویت فردی و گذشت زمان را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که فضای اجتماعی دلنشین و خودمانی در محله، ارتباطات انسانی را به وجود آورده و می‌تواند حس نزدیکی و همسایگی^۸ (تعلق به محل) را در ساکنان یک شهر ایجاد کنند. این فضاها به استفاده‌کنندگان امکان نظارت اجتماعی و کنترل رفتار دیگران را فراهم می‌کند که این خود خاطرات و تجربیات مثبت را به وجود می‌آورد (وارثی و همکاران ۱۳۸۹، ۲۶). مظلومی در مطالعه تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری عوامل مؤثر بر ابعاد حس مکان را به دو بخش تأثیرگذاری‌های مستقیم (کیفیت ادراک^۹ و تصورات ذهنی^{۱۰}) و تأثیرات غیرمستقیم (مشخصات انسانی^{۱۱} و جمعیتی^{۱۲}) دسته‌بندی کرده است. بر اساس این مطالعه افراد جوان‌تر احتمالاً تصورات و ادراک متفاوتی با افراد میان‌سال و مسن نسبت به

محلات شهری به‌عنوان حلقه‌ای واسط میان شهر و شهروندان که در گذر زمان دارای نقش اساسی در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری بوده است و با ارائه خدمات روزمره الفاء‌گر احساس تعلق^۱ و هویت^۲، روابط اجتماعی^۳ در میان ساکنان بوده امروزه نقش کم‌اهمیتی را دارد. آنچه در این میان روشن است ناکامی برنامه‌ریزان شهری است که با غفلت از مسائل اجتماعی و فرهنگی سعی در حل این معضلات با رویکردی صرفاً کالبدی - اقتصادی داشته‌اند (خاکپور و همکاران ۱۳۸۸، ۵۵). همچنین روند توسعه‌ای موجود در شهرهای ما، به ویژه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که مناطق مسکونی شهر و محلات به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش، در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته‌اند (فکوهی ۱۳۸۳، ۲۹). پیدایش احساس بیگانگی^۴ نیز یکی از سرچشمه‌های مشکلاتی است که امروزه گریب‌گیر مردمان جهان گشته است و این مسئله بیش از همه بین مردم و محیط زندگی (محله) آن‌ها ظاهر می‌گردد (حنا ۱۹۵۸، ۱۴۵). همچنین تراویس هیرشی^۵ معتقد است کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است (محسنی تبریزی ۱۳۸۳، ۸۹). در واقع تعلق محله‌ای^۶ که قبلاً تابعی از فاکتورهای فرهنگی اجتماعی همچون قومیت، نژاد، زبان، فرقه، دین و مذهب بوده، امروزه تابعی از فاکتورهای مادی و اقتصادی شده است. در شهرهای امروز خصوصاً کلان‌شهرهایی چون تهران، تجانس افراد به لحاظ تمکن مالی یا عدم تمکن مالی، عامل انتخاب محل سکونت و زندگی افراد است. سطح توان مالی شهرنشینان به تنها عامل همسایگی آن‌ها مبدل شده است. اگر در گذشته اهالی محله‌ها به وجود شخصیت‌های فرهیخته یا فرهنگی محله خود افتخار می‌نمودند، امروزه عکس آن صادق است به این معنا که این مکان است که باعث مباحثات یا سرافکنندگی ساکنانش می‌گردد (هادی پور و همکاران ۱۳۸۶، ۴۰). حس تعلق به محله، نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خود یاری ساکنان مناطق مسکونی دارد و شیوه کارآمدتری را برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند. به لحاظ اجتماعی، دلبستگی به مکان زمینه‌ی مساعدی فراهم می‌کند تا ساکنان بر امور جاری و محلی نظارت بیشتری داشته باشند و با علاقه بیشتری به مسائل اجتماعی پیرامون خود پردازند و برای حل آن‌ها به عمل جمعی مبادرت کنند و با تهدیدات محیطی

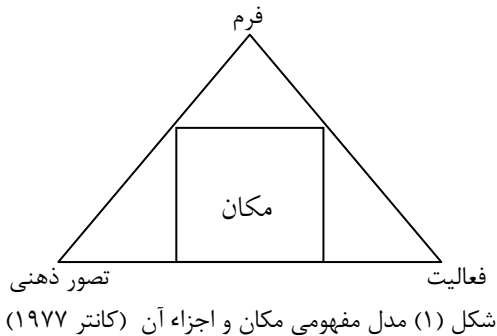
احساس تعلق ساکنین را به محله کاهش دهد. این مسئله در طرح‌های مشارکتی و ناهنجاری‌های اجتماعی، اغلب خود را نشان می‌دهد (شمس و رشیدی ۱۳۹۰، ۱۰۰). ربانی و حبیبی در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی در شهرکرد، تناسب، هویت، سرزندگی، دسترسی به فضاهای شهری به‌عنوان متغیر مستقل و اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند را به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته است. نتایج آماری این تحقیق نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی با توجه به کیفیت فضاهای شهری به صورت معناداری متفاوت است. به گونه‌ای که هرچه شاخص‌های فضای شهری بهبود می‌یابد، میانگین سرمایه اجتماعی نیز بهبود پیدا می‌کند و بالعکس (ربانی و حبیبی ۱۳۹۰).

مبانی نظری

تحقیقات سامر^{۱۹} نشان داد که فرم محیط اکولوژیک بر تأمل و تعامل بسیار تأثیرگذار است و حس مکان، مکث یا حرکت را به‌خوبی القا می‌نماید. فرم‌های مقعر پذیراترین فرم‌ها بوده و با ایجاد حریم حس تعلق و مالکیت را افزایش می‌دهد و بیشتر به‌عنوان فضاهای مکث بلند مدت به کار می‌روند و تعامل در آن‌ها به دلیل چیدمان رو به افزایش است (سامر ۱۹۶۹، ۵۸). از نظر راپاپورت^{۲۰} وقتی اهداف سازماندهی فضا با اهداف عملکردی منطبق باشند، فضا دارای معنا^{۲۱} خواهد بود. فضا با معانی خود از طریق نشانه‌ها، مصالح، رنگ، شکل و منظر ادراک مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وضوح این معنا ناشی از میزان مشارکت در فضا یعنی حرکت مردم، فعالیت‌ها و استفاده آن‌ها از فضاست. هرگاه نظم فضایی، فعالیت‌ها و معانی باهم سازگار و یکدیگر را تقویت کنند، رابطه اجتماعی در فضا نیز تقویت می‌شود (راپاپورت ۱۹۷۷، ۹-۱۱). از اوایل دهه ۸۰ میلادی به بعد رهیافت‌های اجتماعی و ادراکی در مقابل معیارهای کالبدی و بصری شکل گرفت. برخی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های کیفی در پاسخ به رهیافت‌های اجتماعی و ادراکی به‌وسیله جین جیکوبز^{۲۲} (۱۹۶۱)، کوین لینچ^{۲۳} (۱۹۸۱)، ایان بنتلی^{۲۴} و همکاران (۱۹۸۵) و آلن جیکوبز^{۲۵} و داندل اپیلارد^{۲۶} (۱۹۸۷) انجام گرفته است (بنکدار و قرائی ۱۳۹۰، ۵۹). از نظر چاوویس^{۲۷} و همکاران تعلق به محله از طریق همکاری^{۲۸} بین افراد و تشریک مساعی^{۲۹} میسر می‌گردد (چاوویس ۱۹۸۶).

محیط اجتماعی و فیزیکی محله و مجتمع زیستی خود دارند. برای مثال، ارزیابی‌های نگرشی جوانان زیر ۳۰ سال می‌تواند تحت تأثیر پیوند با گروه‌های غیررسمی همسالان در محیط قرار گرفته باشد. از سطح تحصیلات^{۱۳}، شغل^{۱۴} و جنسیت^{۱۵} نیز می‌توان به‌عنوان دیگر ویژگی‌های فردی مؤثر بر کیفیت تصورات و ادراکات ذهنی و در نتیجه ابعاد حس مکان نام برد (مظلومی ۱۳۸۹، ۱۴۶). جعفرنژاد شورکائی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به جایگاه عرصه‌های عمومی و ایجاد هویت در شهر جدید پرند به رابطه عرصه‌های عمومی و حس تعلق افراد به این محل اشاره داشته است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که بین متغیر عرصه‌های عمومی و همگانی به‌عنوان متغیر مستقل و هویت شهر جدید پرند به‌عنوان متغیر وابسته در این پژوهش رابطه وجود داشته یعنی هرچه میزان متغیر مستقل ذکر شده در جامعه هدف (شهر جدید پرند) بالا باشد به همان میزان، هویت‌مندی و احساس تعلق آن‌ها به شهر جدید پرند بیشتر می‌باشد. قابلیت و جذابیت هرچه بیش‌تر این فضاها باعث روبرویی و تمایل بیش‌تر مردم با یکدیگر در این فضاها و در نهایت گرایش به حس تعلق و حس مکان خواهد شد (جعفرنژاد ۱۳۹۰، ۸). لازم به ذکر است که برای شاخص حس تعلق به محله از سؤال «شما کجایی هستید؟» استفاده شده است. فتحعلیان در پایان‌نامه خود در مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی^{۱۶} در بافت‌های خودرو و برنامه‌ریزی شده دو محله از محلات اسلام‌شهر، حس تعلق به مکان را یکی از شاخصه‌های کیفیت زندگی دانسته و این عامل را در کنار عواملی چون امنیت^{۱۷} و روابط همسایگی^{۱۸} را ناشی از مدت زمان بیشتر سکونت، آشنایی بیشتر ساکنان با محله و با یکدیگر و مشارکت بیشتر ساکنان در امور جمعی می‌داند که در موفق بودن یک محله و قضاوت افراد در مورد محل سکونتشان تأثیرگذار است. از نظر فتحعلیان و پرتوی نیز تمایل به ترک محل سکونت، افتخار به محل سکونت، مدت اقامت و از مواردی است که نشان‌دهنده حس تعلق ساکنان به محل زندگی‌شان محسوب می‌شود (فتحعلیان و پرتوی ۱۳۹۰، ۱۰۵). شمس و رشیدی در پژوهش خود بر ارزیابی شاخص‌های پایداری در محلات فرسوده شهر اسدآباد به این نتیجه رسیدند که هرچه ساکنین یک محله، مدت بیش‌تری را در محله ساکن بوده باشند و بومی آن محسوب گردند، احساس تعلق به محله و حس هویت محله‌ای در بین آن‌ها بیش‌تر است. بالا بودن درصد مهاجرین وارد شده به محله می‌تواند

می‌توان مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری را مؤلفه‌هایی به موازات مؤلفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه مکان کانتر می‌توان گفت کیفیت طراحی شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هر یک از آن‌ها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه‌گانه کالبدی، فعالیتی و تصویری محیط شهر است. شکل (۱) مدل مفهومی مکان و اجزاء آن را نشان می‌دهد.



جذابیت و کارایی مدل کانتر باعث شده است تا دیگر صاحب‌نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. به‌طور مثال، مدل «حس مکان» «جان پانتر» را که بر بودن مؤلفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد می‌توان از روایت‌های فرعی مدل کانتر دانست. بر اساس مدل جان پانتر سه مؤلفه کالبدی، فعالیت و معنی در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مؤلفه پیشنهادی کانتر یعنی کالبدی، فعالیت‌ها و تصورات تشابه دارند. (گلکار ۱۳۷۹ و کارمونا ۱۳۸۸)

مدل لنگ: (نیازهای انسانی)

مدل لنگ، قرائت جدیدی از طراحی شهری از گوشه عینک آبراهام مازلو و در پرتو یافته‌های تحقیقات اخیر است. براساس چارچوب مزبور، لازم است طراحی شهری متکفل برآورده ساختن نیازهای متفاوت انسانی به ترتیب زیر باشد:

- ۱- نیازهای فیزیولوژیک
- ۲- نیاز به ایمنی و امنیت
- ۳- نیاز به وابستگی یا نیاز به احساس تعلق به یک جمع و گروه خاص داشتن
- ۴- نیاز به عزت و اعتماد به نفس
- ۵- نیاز به تحقق خویشتن (خودشکوفایی یا نیاز به انجام فعالیتی خلاقه)
- ۶- نیازهای شناختی - زیباشناختی (گلکار ۱۳۷۹).

سامپسون و گراووز^{۳۰} (۱۹۸۹) از نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی نظام‌مند^{۳۱}، بی‌نظمی^{۳۲} و اختلال در واحدهای همسایگی را یکی از ابعاد بی‌سازمانی اجتماعی می‌دانند که بر کنترل اجتماعی ضعیف دلالت دارد. بورسیک و گراسمیک^{۳۳} (۱۹۹۳) استدلال می‌کنند، بی‌نظمی تهدیدی جدی برای زیست‌پذیری محلات مسکونی محسوب می‌شود. پیوندهای اجتماعی، احساس امنیت، اعتماد و ... متغیرهایی هستند که بولان (۱۹۹۷) آن‌ها را از سنخ مردم می‌نامد و در مقابل متغیرهای از سنخ مکان قرار می‌گیرند. این متغیرها به ویژگی‌های محیط مربوط است که دل بستگی به مکان را تسهیل می‌کند یا از رشد آن جلوگیری می‌نماید (لویکا ۲۰۱۰، ۳۸). از دیدگاه فاروق^{۳۴} میزان روابط و صمیمیت^{۳۵} با همسایگان و میزان شناخت^{۳۶} ساکنان آپارتمان‌های مجاور و تمایل شرکت در فعالیت‌های جمعی مبین همبستگی اجتماعی و درنهایت تعلق به محله است (فاروق ۱۹۹۹). روس و جانگنیز^{۳۷} (۲۰۰۰) دیدگاه مشابهی را مطرح می‌کنند و معتقدند بی‌نظمی^{۳۸} در واحدهای همسایگی (محله)، وجود جنایت و بزهکاری، ویرانگری، رنگ‌پاشی بر دیوارها، پرسه زدن، شلوغی و مصرف مواد مخدر موجب می‌شود ساکنان میزان بالایی از ترس و بی‌اعتمادی را از خود به نمایش بگذارند (امیرکافی ۱۳۸۳، ۶۴-۶۳). ساکنان بر اساس نگرانی‌هایی که از این مسائل دارند از خود واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها ممکن است از تعامل با همسایگان اجتناب کنند، از شرکت در فعالیت‌های محلی پرهیز نمایند. محققانی که بر عوامل فضایی تأکید می‌کنند، معتقدند فضای عمومی ایمن در محله، فرصتی برای ملاقات و دیدار ساکنان فراهم می‌سازد و به توسعه پیوندهای اجتماعی محلی می‌انجامد (وو و تسای ۲۰۰۸، بایز و همکاران ۲۰۰۷، ماس و همکاران ۲۰۰۹، لیدن ۲۰۰۳). به تعبیر کوپر مارکوس^{۳۹} با گذشت زمان و ایجاد دل بستگی فرد با محیط، محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود و احساس تعلق مکانی شکل می‌گیرد (معلمی ۱۳۸۶، ۹۱).

مدل کانتر^{۴۰}: (مؤلفه‌های مکان)

بر اساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد درهم‌تنیده کالبدی^{۴۱}، فعالیت‌ها^{۴۲} و تصورات^{۴۳} است. از آنجا که کیفیت طراحی شهری یک مکان ناگزیر از پاسخ‌دهی مناسب ابعاد گوناگون محیط شهری است،

جدول شماره (۱) مهم‌ترین عوامل مرتبط با حس پژوهشگران پیشین نشان می‌دهد. تعلق افراد به مکان را از دیدگاه اندیشمندان و

جدول (۱) عوامل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در حس تعلق به مکان در مطالعات پیشین

عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان	نظریه‌پردازان و پژوهشگران
خوانایی (قابل شناسایی بودن)، قابلیت ادراک، به یاد ماندنی بودن مکان، وضوح	کوین لینچ (۱۹۶۰)
درک نمادها و فعالیت‌های روزمره، مدت زمان اقامت	رلف (۱۹۷۶)
نظم اجتماعی	سامپسون و گراوز (۱۹۸۹)
رابطه نمادین احساسی عاطفی و فرهنگی مشترک به فضای خاص، عقاید فرهنگی، تجربه عاطفی و شناختی	آتمن و لو (۱۹۹۲)
نظم اجتماعی	بورسیک و گراسمیک (۱۹۹۳)
استنباط از تجربیات شخصی افراد	لارکین (۱۹۹۸)
تجربیات افراد	کانتریل (۱۹۹۸)
نظم اجتماعی	روس و جانگنیز (۲۰۰۰)
تعاملات اجتماعی، مودت، احساسات، مشارکت، هویت مکانی، ثبات و مدت اقامت	بوو (۲۰۰۴)
معانی نمادین مشترک، تجربیات و ارزش‌ها و نمادهای تاریخی مشترک، مدت سکونت، مالکیت، برنامه‌ریزی جهت ماندن یا ترک محل	اسکانل و گیفورد (۲۰۱۰)
ایمنی و امنیت	رضا زاده (۱۳۷۸)
نوع فعالیت، معنی، ویژگی‌های کالبدی	عبدالهادی دانشپور (۱۳۷۹)
مشارکت	جلال تبریزی (۱۳۸۱)
دسترسی به تنوع فضاهای فراغتی و تجارتي و فرهنگی	صهبا گلچین فر (۱۳۸۳)
نشانه‌ها و معانی محل، تصویر ذهنی	محمدصادق فلاحت (۱۳۸۴)
مدت اقامت	محمدصادق فلاحت (۱۳۸۵)
احیا بافت‌های فرسوده، تأکید بر مشارکت مردم	شاکرمی (۱۳۸۵)
سرزندگی و فعال بودن محل، تعاملات اجتماعی	فنی (۱۳۸۵)
احساس لذت از یک فضا	فلاحت و کلامی (۱۳۸۷)
تصاویر ذهنی، خاطرات و نقش کالبدی فیزیکی	حبیبی (۱۳۸۷)
وجود اشتراکات فرهنگی، سنتی و مذهبی (هنجارهای مشترک) و کنترل اجتماعی	نقی زاده (۱۳۸۷)
خوانایی (مشخص بودن مرکز و محدوده محله)، کنترل و نظارت اجتماعی، امنیت	صالحی (۱۳۸۷)
اجتماع پذیر بودن فضا، کنترل و نظارت اجتماعی	رفیعیان و سیفایی (۱۳۸۷)
دسترسی به امکانات رفاهی	زبیری و نوزری (۱۳۸۸)
خصوصیات فردی: درآمد، شغل، انگیزه، تربیت، خصوصیات فردی، اندوخته ذهنی، شرایط روحی، خصوصیات فیزیکی	مجتبی رفیعیان و زهرا خدایی (۱۳۸۸)
عینیت فضا: نقشه شهر، سیمای شهر، انواع فعالیت، نوع مردم، صدا و بو، طبیعت و طراوت، پراکنش کاربری‌ها	
ذهنیت فضا: فرصت‌های رفتاری، القانات معنایی، برازندگی، ارزش زیباشناختی، روبه هنجاری اخلاقی، هم-ساختگی، خوانایی، معنی فرهنگی نمادین.	
فرسودگی بافت	انصاری و همکاران (۱۳۸۸)
میزان مشارکت اجتماعی	عقیل حیاتی (۱۳۸۹)
نوع خدمات و فعالیت‌های موجود در محل	نوده فراهانی (۱۳۸۹)
فضای دلنشین و خودمانی در محله، نظارت اجتماعی، خاطرات و تجربیات مثبت، ایجاد یک باتوق و همبستگی اجتماعی	وارثی و همکاران (۱۳۸۹)
ارتباطات غنی انسانی، مهاجرپذیری، نوساز بودن محله، خاطرات جمعی، انس با محیط	صمیمی شامی (۱۳۸۹)

جدول (۱) عوامل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در حس تعلق به مکان در مطالعات پیشین

عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان	نظریه پردازان و پژوهشگران
خوانایی، نفوذپذیری فضای محلات، بافت محلات، درهم تنیدگی بافت، وجود فضاهای سبز و امکانات تفریحی و ورزشی	وحید قاسمی و سمیه نگینی (۱۳۸۹)
تلقی و برداشت دیگران از مکان، قدمت و پیشینه، میزان سکونت فرد در آن مکان، داشتن تجربه‌ها و خاطرات گذشته، فعالیت‌های جمعی، میزان احساس امنیت	بهرام سرمست (۱۳۸۹)
دسترسی به فضاهای شهری	ربانی و حبیبی (۱۳۹۰)
مدت سکونت	شمس و رشیدی (۱۳۹۰)
مالکیت	محمدی و سجادی (۱۳۹۰)
مدت اقامت، نماد و سمبل خاص شهری، تنوع ساختمان‌ها، وجود بازار محله‌ای، توجه به تنوع فرهنگی در ساخت‌وسازهای شهری	وارثی و همکاران (۱۳۹۰)
جذابیت فضاهای عمومی شهر در خیابان‌ها، میدان‌ها، فضاهای سبز و پارک‌ها، تعامل	جعفرنژاد شورکائی (۱۳۹۰)
سن، سطح تحصیلات، شغل و جنسیت	مظلومی (۱۳۹۰)
امنیت، روابط همسایگی، مدت زمان اقامت، مشارکت جمعی، جذابیت	فتحعلیان (۱۳۹۰)

روش تحقیق^{۴۴}

روش پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کلیه شهروندان ساکن منطقه ۲ شهرداری تهران در سال ۱۳۹۲ در برمی‌گیرد. در برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. در اینجا حجم نمونه ۳۸۴ نفری به خاطر لحاظ کردن احتمال ریزش و باطل شدن برخی پرسشنامه‌ها ۴۱۵ نمونه در نظر گرفته شد که با بازبینی و کنترل پرسشنامه‌های تکمیل شده، پرسشنامه‌های ایراد دار باطل شد و در نهایت حجم نمونه این پژوهش به ۴۱۱ نمونه رسید. روش نمونه‌گیری در این مطالعه، نمونه-گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده و برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته، از نظر ساکنان بر اساس ادبیات نظری موجود در پرسشنامه از تعدادی عبارات خبری استفاده شده است. نظرات پاسخگویان نسبت به این عبارات با استفاده از مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) ارزیابی می‌شود. برای سنجش روایی پرسشنامه از روش محتوایی استفاده گردید بدین صورت که نظرات استادان صاحب‌نظر در این زمینه مد نظر قرار گرفته است. پایایی این پژوهش با آزمون مقدماتی با حجم ۳۰ نفر در منطقه ۲ شهرداری تهران به صورت تصادفی به اجرا درآمد. برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰۳ بوده است. جدول شماره (۲) ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل و گویه‌های پرسشنامه را نشان می‌دهد.

جمع‌بندی ادبیات پژوهش

هرچند در پژوهش‌های اجتماعی به سبب تنیدگی و آثار پیش‌بینی‌نشده نمی‌توان با قطعیت در مورد مستقل یا وابسته بودن متغیرها اظهار نظر نمود. در این پژوهش حس تعلق به محله متغیر وابسته و فضاهای اجتماعی که شامل مؤلفه‌های نظم اجتماعی محله، امنیت، خوانایی محله و دسترسی به امکانات و تسهیلات، پیوندهای اجتماعی، کنترل اجتماعی غیررسمی، به‌عنوان متغیر مستقل می‌باشند. با توجه به اهداف پژوهش یک فضای اجتماعی در صورت موجود بودن این عوامل فضایی مناسب در ایجاد حس تعلق به محله تلقی می‌گردد. این عوامل بر اساس مدل حس مکان کانتر و پانتر که شامل کالبد (فرم)، فعالیت‌ها و معانی (عوامل ذهنی) می‌باشد تدوین گردیده و از طرفی با نظریه مزلو (سلسله مراتب نیازها) و مدل جان لنگ (در سطحی کامل‌تر از نظر نیازهای شهر) همسویی دارد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های اصلی: بین متغیرهای نظم اجتماعی، امنیت اجتماعی، دسترسی به امکانات و تسهیلات، خوانایی، پیوندهای اجتماعی محلی، کنترل اجتماعی غیررسمی و حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی: بین متغیرهای جمعیت شناختی سن، وضعیت ملکی، مدت اقامت، تحصیلات، نوع شغل و وضعیت درآمد خانواده با حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.

جدول (۲) ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل و گویه‌های پرسشنامه

متغیرها	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
متغیر وابسته (حس تعلق به محله)	حس تعلق به محله	افتخار به محله، احساس راحتی مانند خانه، تمایل به ماندن در محله، توصیه به آشنایان جهت سکونت، شرکت در مراسم محله، احساس مسئولیت، علاقه به محله
متغیر مستقل (فضاهای اجتماعی مناسب)	نظم اجتماعی	پاکیزگی محله، وضعیت پیاده‌رو، تصادفات، سر و صدا
	امنیت اجتماعی	احساس امنیت، پرسه زدن جوانان در محله، سرقت در محله، فروش و مصرف مواد مخدر
	دسترسی به امکانات	دسترسی به اماکن مذهبی فرهنگی ورزشی تفریحی، خرید مایحتاج با پیاده‌روی، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی
	خوانایی محله	شناخت مرز و حدود محله، گم شدن غریبه‌ها و پیدا نکردن آدرس، وجود نشانه خاص در محله
	پیوندهای اجتماعی	روابط صمیمانه افراد محله، شناخت همسایگان، سلام و علیک با همسایگان، مشارکت همسایگان در مراسم مذهبی
	کنترل اجتماعی غیررسمی	تشخیص غریبه در محله، جلوگیری از دعوا، واکنش به برهم زدن آرامش

۲/۲ درصد منازل سازمانی بوده و همچنین ۳/۶ درصد نیز به سایر سکونت‌ها اختصاص می‌یابد (سایر سکونت‌ها می‌تواند شامل افراد یا خانواده‌هایی شود که با خانواده همسر یا پدر و مادر خود به صورت مشترک زندگی می‌کنند). بیشترین فراوانی نسبی مدت اقامت با میزان ۳۴/۸ به گروه زیر ۵ سال و کمترین فراوانی نسبی مدت اقامت با میزان ۹/۲ درصد به گروه بالای ۱۶ سال اختصاص داشته است. بیشترین فراوانی با ۴۳/۳ درصد به مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر و کمترین فراوانی با ۱/۲ درصد به پاسخ‌دهندگان بی‌سواد، اختصاص داشته است. همچنین در بین انواع مشاغل بیشترین فراوانی به کارمندان با ۳۶/۷ درصد و بیکاران با ۱ درصد، اختصاص می‌یابد. بیشترین فراوانی نسبی درآمد با ۳۲/۴ درصد ۱۰ تا ۱۵ میلیون ریال و کمترین فراوانی نسبی درآمد با ۲/۴ درصد کمتر از ۵ میلیون ریال، بوده است.

آزمون تحلیل همبستگی

تحلیل همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. ضریب همبستگی یکی از معیارهای مورد استفاده در تعیین همبستگی دو متغیر می‌باشد. ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد (مؤمنی و قیومی ۱۳۸۹، ۱۱۰). جدول (۳) آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و حس تعلق به محله (متغیر وابسته) را نشان می‌دهد.

محدوده مورد پژوهش: منطقه ۲ شهرداری تهران، دارای ۳۰ محله و بر طبق آمار رسمی مساحت آن ۶۴ کیلومتر مربع بوده و ده درصد از مساحت کل تهران به آن اختصاص می‌یابد. جمعیت این منطقه ۱۸۲،۹۵۳ خانوار و بالغ بر ۶۰۹،۰۰۰ با بعد خانوار ۳/۳ نفر می‌باشد. منطقه ۲ از لحاظ جمعیت در بین سایر مناطق تهران رتبه چهارم را دارا بوده و در مجموع حدود ۷/۸ درصد از جمعیت کل تهران در این منطقه ساکن می‌باشند (شهرداری منطقه، ۱۳۹۲).

تحلیل و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ۴۸/۲ درصد از پاسخ‌دهندگان زن و ۵۱/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد بوده‌اند. بیشترین فراوانی نسبی سن این افراد با میزان ۳۲/۴ به گروه سنی ۲۹ تا ۳۸ سال و کمترین فراوانی نسبی با میزان ۱۳/۹ به گروه ۴۹ تا ۵۸ سال اختصاص داشته است. ۱۸/۷ درصد این افراد مجرد، ۶۹/۳ درصد متأهل بوده همچنین ۱۱/۹ درصد نیز در این دو گروه قرار نگرفته‌اند (که ممکن است مطلقه بوده و یا همسرشان فوت کرده باشد) لذا به دلیل ملاحظات اخلاقی و جلب اعتماد افراد و از طرف دیگر قرار نداشتن این مسئله در اهداف و فرضیات از گزینه‌های وضعیت تأهل خارج گردیده و به صورت «سایر» در آخرین گزینه تأهل در پرسشنامه گنجانده شده است. ۴۵/۵ درصد پاسخ‌دهندگان دارای منزل شخصی، ۴۸/۷ پاسخ‌دهندگان دارای منزل استیجاری،

جدول (۳) آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و حس تعلق به محله (متغیر وابسته)

متغیر مستقل: حس تعلق به محله	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (p-value)	تعداد
نظم	۰/۷۶۳	۰/۰۰۰	۴۱۱
امنیت اجتماعی	۰/۶۰۲	۰/۰۰۰	۴۱۱
دسترسی	۰/۵۷۹	۰/۰۰۰	۴۱۱
خوانایی	۰/۸۲۷	۰/۰۰۰	۴۱۱
پیوندهای اجتماعی	۰/۷۷۱	۰/۰۰۰	۴۱۱
کنترل اجتماعی	۰/۵۸۱	۰/۰۰۰	۴۱۱

(۴) وضعیت تأیید یا رد فرضیه‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

تحلیل واریانس

برای مقایسه میانگین دو یا چند جامعه یعنی تأثیر یک متغیر مستقل گروه‌بندی بر یک متغیر کمی وابسته از این آزمون استفاده می‌شود (مؤمنی و قیومی ۱۳۸۹، ۸۲). جهت بررسی فرضیه‌های فرعی پژوهش از تحلیل واریانس استفاده شده است. جدول (۵) آزمون تحلیل واریانس یک طرفه متغیر حس تعلق به محله را بر اساس ویژگی‌های فردی نشان می‌دهد.

با انجام آزمون همبستگی میان متغیرهای نظم، امنیت اجتماعی، دسترسی، خوانایی، پیوندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی به‌عنوان متغیرهای مستقل و حس تعلق به محله به‌عنوان متغیر وابسته، مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر با مقادیر جدول فوق و همچنین سطح معناداری ($p\text{-values}=0/000$) در همه آزمون‌ها می‌باشد، بنابراین همبستگی در تمام آزمون‌ها از نوع مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش یا کاهش هر کدام از متغیرها، متغیر دیگر نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. در نتیجه تمام فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌گردد. جدول

جدول (۴) تأیید یا رد فرضیه‌های تحقیق

ردیف	شرح فرضیه	تأیید یا رد؟	نوع رابطه
۱	فرضیه ۱- بین نظم اجتماعی و میزان حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.	تأیید	مستقیم
۲	فرضیه ۲- بین امنیت اجتماعی و میزان حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.	تأیید	مستقیم
۳	فرضیه ۳- بین دسترسی به امکانات و تسهیلات و میزان حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.	تأیید	مستقیم
۴	فرضیه ۴- بین خوانایی و میزان حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.	تأیید	مستقیم
۵	فرضیه ۵- بین پیوندهای اجتماعی و میزان حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.	تأیید	مستقیم
۶	فرضیه ۶- بین کنترل اجتماعی غیررسمی و میزان حس تعلق به محله رابطه وجود دارد.	تأیید	مستقیم

جدول (۵) آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^{۴۵} متغیر حس تعلق به محله در گروه‌های سنی

مقدار احتمال معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	حس تعلق به محله	گروه‌های سنی
۰/۰۰۰	۸/۲۸۳	۴۲۴/۰۲۳	۴	۱۶۹۶/۰۹۲	بین گروهی	گروه‌های سنی
		۵۱/۱۹۲	۴۰۶	۲۰۷۸۳/۸۶۹	درون گروهی	درون گروهی
۰/۰۰۰	۲۳/۳۹۰	۱۱۰/۹۱۲	۳	۳۳۰۵/۷۳۷	بین گروهی	وضعیت ملکی
		۴۷/۱۱۱	۴۰۷	۱۹۱۷۴/۲۲۴	درون گروهی	درون گروهی
۰/۰۰۰	۲۶/۲۷۵	۱۲۱۵/۷۷۴	۳	۳۶/۳۲۱	بین گروهی	مدت اقامت
		۴۶/۲۷۲	۴۰۷	۱۸۸۳۲/۶۴۰	درون گروهی	درون گروهی
۰/۴۹۴	۰/۸۰۱	۴۳/۹۷۰	۳	۱۳۱/۹۰۹	بین گروهی	سطوح تحصیلی
		۵۴/۹۰۹	۴۰۷	۲۲۳۴۸/۰۵۲	درون گروهی	درون گروهی
۰/۰۰۰	۵۴/۳۹۴	۲۲۹/۵۰۲	۶	۱۳۷۷/۰۱۰	بین گروهی	گروه‌های شغلی
		۵۲/۲۳۵	۴۰۴	۲۱۱۰۲/۹۵۱	درون گروهی	درون گروهی
۰/۵۰۶	۰/۸۳۰	۴۵/۶۰۶	۴	۱۸۲/۴۲۳	بین گروهی	میزان درآمد
		۵۴/۹۲۰	۴۰۶	۲۲۲۹۷/۵۳۸	درون گروهی	درون گروهی

تأثیر معناداری بر متغیر حس تعلق به محله (ملاک) هستند که نشان‌دهنده وجود رابطه خطی بین عوامل ذکر شده و حس تعلق به محله بوده و متغیر دسترسی علیرغم پیش‌بینی پژوهشگر تأثیر خطی بر حس تعلق به محله نداشته است. مقدار R Square برابر ۰/۷۸۷ می‌باشد که بیانگر این مطلب است که ۷۸/۷ درصد از تغییرات حس تعلق به محله، تحت تأثیر متغیرهای فوق قابل تبیین است.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج به دست آمده از این پژوهش متغیر مستقل نظم بر حس تعلق افراد به محله در منطقه ۲ شهرداری تهران تأثیر معناداری دارد و نتایج دانشپور، فتحی و امیرکافی را تأیید می‌کند. متغیر نظم اجتماعی که می‌توان آن را جزء عوامل عینی و کالبدی و از جنس مکان دانست با توجه به نظریه بی‌سازمانی اجتماعی که سامپسون و گراورز، بورسیک و گراسمیک، روس و جانگینز به آن پرداخته‌اند همسویی دارد. همچنین متغیر مستقل امنیت اجتماعی بر حس تعلق افراد به محله در منطقه ۲ شهرداری تهران تأثیر معناداری دارد و نتایج رضا زاده، شاکرمی، صالحی، انصاری و همکاران، سرمست و متوسلی و همچنین فتحعلیان را تأیید می‌کند. اندیشمندانی چون کارمونا، گرین، هاتن و هانتز نیز امنیت را از مؤلفه‌های مهم در ایجاد حس تعلق به محله دانسته‌اند. در تحلیل رگرسیونی معلوم شد که یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل حس تعلق به محله می‌باشد. نظریه پنجره‌های شکسته، بی‌سازمانی اجتماعی و بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان ایمنی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با مسائل امروزه در زندگی شهری تبیین می‌کنند. متغیر مستقل دسترسی بر حس تعلق افراد به محله در منطقه ۲ شهرداری تهران تأثیر معناداری دارد و نتایج گلچین‌فر، زیاری و نوذری، ربانی و

نتایج به دست آمده از آنالیز واریانس یک‌طرفه جهت بررسی فرضیه‌های فرعی در مورد بررسی میانگین نمرات حس تعلق به محله در گروه‌های سنی، وضعیت ملکی، مدت اقامت و گروه‌های شغلی شرکت‌کنندگان در پژوهش، با توجه به مقدار F به دست آمده و سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) که کمتر از ۰/۰۵ است فرض نابرابری میانگین نمرات حس تعلق به محله در این مطالعه را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر بین گروه‌های مختلف سنی، وضعیت ملکی، مدت اقامت و گروه‌های شغلی از نظر میانگین نمرات حس تعلق به محله اختلاف معناداری وجود دارد. از طرفی میانگین نمرات حس تعلق به محله در میزان درآمد خانوار و سطوح تحصیلی افراد اختلاف معناداری را تبیین نمی‌کند.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

رگرسیون چند متغیره ابزار خوبی است برای انجام پیش‌بینی و آزمون فرضیه که در روش‌های مرسوم به دنبال بررسی رابطه بین یک متغیر وابسته و چند متغیر مستقل است (مؤمنی و قیومی ۱۳۸۹، ۱۳۵) با بهره‌گیری از رگرسیون چند متغیره، تأثیر همزمان متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته بررسی کنیم و میزان اهمیت یا تأثیر خالصی را که هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته دارد مشخص سازیم. جدول (۶) تحلیل رگرسیونی میزان تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر حس تعلق به محله را نشان می‌دهد.

با توجه به تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شده و بر اساس مقادیر ضرایب بتای استاندارد شده و ضریب تی به دست آمده پنج متغیر پیش‌بین نظم اجتماعی، امنیت اجتماعی، خوانایی، پیوندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی با توجه به سطح معناداری به دست آمده که کمتر از ۰،۰۵ می‌باشد، از نظر آماری دارای

جدول (۶) تحلیل رگرسیونی میزان تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر حس تعلق به محله

متغیرها	بتا	تی	معناداری
نظم اجتماعی	۰/۱۷۱	۴/۳۴۴	۰/۰۰۰
امنیت اجتماعی	۰/۱۴۸	۵/۲۶۵	۰/۰۰۰
دسترسی	۰/۰۴۸	۱/۶۲۵	۰/۱۰۵
خوانایی	۰/۳۲۶	۷/۵۳۶	۰/۰۰۰
پیوندهای اجتماعی	۰/۲۷۹	۷/۹۷۲	۰/۰۰۰
کنترل اجتماعی غیررسمی	۰/۰۹۴	۳/۲۵۰	۰/۰۰۱

R = ۰/۸۸۷ R Square = ۰/۷۸۷ F = ۳۸۷/۲۴۹ Sig = ۰،۰۰۰

شده که کاملاً با نظرات ورث، مارگارت مید، جیکوبز، ویولچ، آلتمن و لو مطابقت دارد. نظریات ویرث نیز در زمینه جایگزین شدن روابط ثانویه در شهرهای امروزی و ضعیف شدن قیود خویشاوندی و از بین رفتن همسایگی، سست شدن انسجام و یگانگی زندگی سنتی و وجود روابط غیرشخصی - سطحی - انزوای افراد و وجود فاصله اجتماعی همگی مؤید اهمیت بعد دیگری از مقیاس هویت محله‌ای یعنی تعاملات اجتماعی است. نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به هم پیوسته‌اند. از یک سو، برقراری و تداوم روابط اجتماعی موجب تقویت ارزش‌ها و هنجارها یا فرهنگ می‌شود و از سوی دیگر، فرهنگ شرایط و نحوه شکل‌گیری روابط اجتماعی را تعیین می‌کند. متغیر مستقل کنترل اجتماعی غیررسمی بر حس تعلق افراد به محله در منطقه ۲ شهرداری تهران تأثیر معناداری دارد و نتایج نقی زاده، صالحی، رفیعیان و سیفایی، وارثی و همکاران را تأیید می‌کند و از طرفی با نظریه‌های لینچ، ورث، جیکوبز و اپلیارد مطابقت دارد.

بررسی رابطه متغیرهای جمعیت شناختی با متغیر وابسته نشان می‌دهد که سن، وضعیت ملکی، مدت اقامت و نوع شغل رابطه معنی‌داری با حس تعلق به محله دارد که نتایج اسکال و گیفورد، فلاحت، فتحعلیان را تأیید می‌کند و از طرفی هیچ رابطه معناداری بین میزان درآمد خانواده و سطوح تحصیلی وجود نداشته است که نتایج مظلومی (۱۳۹۰) را رد می‌کند.

بررسی همبستگی دو به دوی متغیرهای مستقل پژوهش شامل نظم اجتماعی، امنیت اجتماعی، دسترسی، خوانایی، پیوندهای اجتماعی، کنترل اجتماعی غیررسمی با متغیر وابسته حاکی از این است که تقریباً همه متغیرهای مستقل رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیر دلبستگی به محله مسکونی دارند و فرضیه‌های اصلی پژوهش را تأیید می‌کنند. همچنین حس تعلق به محله در گروه‌های مختلف سنی، نوع وضعیت ملکی، مدت اقامت و نوع شغل افراد نیز تفاوت معنی‌داری نشان می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز مبین آن است که برحسب ارزش ضرایب بتا، پیوندهای اجتماعی محلی و خوانایی محله، تعیین‌کننده‌ترین عامل تأثیرگذار بر دلبستگی به محله مسکونی محسوب می‌شود. پس از آن متغیرهای امنیت اجتماعی، نظم و کنترل اجتماعی غیررسمی به ترتیب در تعیین متغیر وابسته یعنی حس تعلق به محله دخیل‌اند. این در حالی است که تأثیر متغیر دسترسی شاید به دلیل همبستگی بالای آن با خوانایی محلی کاهش چشمگیری نشان می‌دهد. پس از

حبیبی را تأیید می‌کند. ولی در تحقیق وارثی و همکاران (۱۳۸۹) در تحلیل و ارزیابی احساس هویت ساکنین در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید فولادشهر) نتایج نشان می‌دهد که ضمن اثبات تأثیر گذر زمان بر هویت بخشی به ساکنان، تأثیر سایر مؤلفه‌های هویت شهری (رضایت ساکنین از دسترسی به خدمات شهری و تحصیلات) بر تعلق مکانی بیشتر بوده است در صورتی که نتایج حاصل از پژوهش حاضر عکس آن را نشان داد و به‌عنوان متغیر کم اهمیت در تبیین حس تعلق مشخص گردید. نظریات لینچ، کارمونا و کولکوهن در شناخت دسترسی به‌عنوان یکی از عوامل حس تعلق به محله مهم شمرده می‌شود. در آزمون همبستگی در پژوهش حاضر دسترسی رابطه مثبت و معنی‌داری داشته است ولی در تحلیل رگرسیون همزمان تمام متغیرها، برخلاف تصور اولیه پژوهش‌گر رابطه معنی‌دار و خطی با حس تعلق نداشته است. این پژوهش نشان می‌دهد متغیر مستقل خوانایی بر حس تعلق افراد به محله در منطقه ۲ شهرداری تهران تأثیر معناداری دارد و نتایج، دانشپور، صالحی، رفیعیان و خدایی، قاسمی و نگینی، فلاحت، حبیبی، وارثی و همکاران را تأیید می‌کند. کوین لینچ، رلف، آلتمن و لو، اسکال و گیفورد، بنتلی، لويس ویرث، برایان گودی و ویولچ خوانایی محله را در ایجاد حس تعلق به مکان بیان نموده‌اند. باید توجه داشت این مسئله برای ساکنین نقاط مختلف از محله تعریف جداگانه‌ای دارد. به دلیل درهم‌تنیدگی بافت‌های شهری مدرن و گسترش محلات امروزه به سختی می‌توان مرز دقیقی را برای محلات تصور کرد. بسیاری از ساکنین حاشیه محلات جهت برآوردن نیازهای خود به محله هم‌جوار مراجعه می‌نمایند. این موضوع نشان‌دهنده نبود یک مرز فیزیکی خاص براساس تقسیم‌بندی سلب نهادهایی مانند شهرداری می‌باشد. از موارد مهم دیگر براساس بخش ادبیات موضوع آدرس‌پذیری است. وجود عناصر نمادین گاه به شکل طبیعی و گاه به شکل مصنوع در درازمدت در خاطره جمعی ساکنین باقی مانده و حس تعلق را در پی خواهد داشت. طبق نتایج به دست آمده از این پژوهش متغیر مستقل پیوندهای اجتماعی بر حس تعلق افراد به محله در منطقه ۲ شهرداری تهران تأثیر معناداری دارد و نتایج بوو، فنی، وارثی و همکاران، صمیمی و شارمی، جعفرنژاد شورکائی، فتحعلیان، جلال تبریزی، شاکرمی، فنی، حیاتی، قاضی‌زاده و سرمست و متوسلی را تأیید می‌کند. پیوندهای اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در این پژوهش شناخته

است از دید مدیران شهری و برنامه‌ریزان توسعه پوشیده باشد، آشکار شود.

پیشنهادات

- در ارتباط با ارتقاء نظم و زیست‌پذیری محیطی محله؛
- توجه به جمع‌آوری به موقع زباله و رفت و روب.
 - کنترل و نظارت بر کارگاه‌هایی که با سر و صدای زیاد مانع آسایش ساکنین می‌شوند.
 - آموزش به شهروندان توسط سرای محلات و خانه‌های سلامت جهت حفظ بهداشت در محله. به‌عنوان مثال گروه‌هایی در محله با کمک شورایی‌ها تشکیل شده و کار بازیافت پسماندهای خشک را به عهده گیرند. این مسئله هم به درآمدزایی و هم به تغییر رفتار ساکنین در امر کاهش زباله منجر خواهد شد.
- ارتقاء امنیت محله توسط سازمان‌های رسمی و غیررسمی مرتبط از طریق؛
- تدارک برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی از سوی سازمان‌های شهری در سطح محله‌ها برای افزایش تعاملات اجتماعی ساکنان و شکل‌گیری شبکه روابط محله‌ای در میان آنان.
 - با توجه به رشد و گسترش مرتفع‌سازی، طراحی و معماری طبقات آپارتمان‌ها به‌گونه‌ای باشد که امکان مواجهه رودرو و در نتیجه زمینه مشارکت بیشتر خانوارها در امور همسایگی فراهم شود براساس نتایج تحقیق، رابطه مثبت و معناداری بین تعاملات اجتماعی و امنیت در محیط محلی وجود دارد.
 - هماهنگی بین‌بخشی سازمان‌های مرتبط جهت شناسایی فضاهای غیر قابل دفاع و نظارت بر عوامل تهدیدآمیز در محله
 - افزایش امنیت اجتماعی در محدوده محلات علاوه بر ایجاد کلانتری‌ها با استفاده از نگهبان محله و برانگیختن حس مسئولیت‌پذیری مردم و نهادهای محله‌ای.
- ارتقاء وضعیت دسترسی از طریق؛
- ایجاد بازارهای محلی و کوچک در سطح محله جهت تأمین نیازهای اولیه ساکنین مانند بازار میوه و تره‌بار
 - تأسیس باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی در محلات
 - تأسیس خانه‌های اسباب‌بازی و زمین‌بازی جهت استفاده کودکان

آن متغیرهای احساس امنیت، دسترسی به امکانات و تسهیلات و نظم اجتماعی قرار دارد. تأثیر قابل ملاحظه پیوندهای اجتماعی محلی بر دل‌بستگی به محله مسکونی با دیدگاه کاساردا و جانویتز (مدل نظام‌مند) مطابقت دارد و همچنین تأثیر متغیر احساس امنیت بر حس تعلق به محله با دیدگاه‌های سامپسون و گراوز، بورسلیک و گراسمیک و روس و جانگ (مدل بی‌سازمانی اجتماعی نظام‌مند) سازگار است. بنا به مطالعات انجام پذیرفته، سه حوزه خصوصیات کالبدی، فعالیت، معنای شکل گرفته از حیات هر روزه اذهان شهروندان، زمینه‌های شکل‌گیری هویت و حس تعلق در محله‌های شهری است. نتایج تحقیق مدل حس مکان کانتر و پانتر از رویکرد پدیدار شناختی که شامل کالبد (فرم)، فعالیت‌ها و معانی (عوامل ذهنی) را تأیید و از طرفی با نظریه مزلو (سلسله مراتب نیازها) و مدل جان لنگ (در سطحی کامل‌تر از نظر نیازهای شهر) از رویکرد هستی‌شناختی همسویی دارد.

نتایج پژوهش حاضر در محدوده مطالعه، نشان داد که حوزه‌های فعالیت (پیوندهای اجتماعی و تعاملات) و معنا (خوانایی) از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی است و همین امر اهمیت برنامه‌ریزی در جهت ارتقای فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی را نشان می‌دهد. برنامه‌ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محله‌های شهری شود همچنین توجه به وضعیت بهداشت و ایمنی معابر، نشانه‌های شهری، یادمان‌ها، مجسمه‌ها، تقویت فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی و ایجاد مکان‌های سوم چون کافه‌ها و رستوران‌دارها، گالری‌ها، فرهنگ‌سراها، تأکید بر کارکردهای روزانه و شبانه، ایمنی و امنیت، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری و تأکید بر هویت، خاطره و معنای محیط و درنهایت دخیل نمودن افراد در محلات جهت تصمیم‌سازی برای مدیران در راستای ایجاد دموکراسی شهری و استفاده از توانمندی‌های آنان به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی، بایستی مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد همچنین استفاده از نظر کاربران فضا و مشارکت مردمی در مطالعه کیفیت محیط‌های شهری، موجب می‌شود تا ارزش‌های هویتی و میراث خاطره شهروندان که ممکن

پیشنهادهایی برای محققین آتی

- پژوهش‌گران علاقه‌مند به موضوع پژوهش حاضر، عوامل مطروحه را در سطح هر محله و متناسب با بافت مسکونی و در ابعاد کوچک‌تر و خرد محله انجام دهند تا ابعاد منطقه‌ای آن.
- مقایسه محلات سنتی و مدرن از نظر حس تعلق به محله می‌تواند به مدیران شهری جهت برنامه‌ریزی کمک شایانی نماید.

منابع و مأخذ

- امیر کافی، مهدی. (۱۳۸۳). طراحی الگوی جامعه‌شناختی انزوای اجتماعی در شهر تهران. رساله-ی دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- بنکدار، احمد و فریبا قرائی. ۱۳۹۰. تغییر پارادایم‌ها در اصول طراحی شهری؛ از مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی و ادراکی به رهیافت مکان‌سازی. دو فصلنامه دانشگاه هنر. شماره ۶. بهار و تابستان ۱۳۹۰
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی. تهران: نشر شهیدی.
- پرتوی، پروین و علی صمیمی شامی. ۱۳۸۸. بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده مورد پژوهی: محلات ساغری‌سازان و بلوار گیلان در شهر رشت. دو فصلنامه دانشگاه هنر. شماره ۳.
- تقوایی، مسعود. رسول بابانسیب و چمران موسوی. ۱۳۸۸. تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال اول. شماره دوم.
- توسلی، محمود. (۱۳۶۵). قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- جعفرنژاد شورکائی و سیده فضا و سید رحیم مشیری و آریتا رجبی. ۱۳۹۰. جایگاه عرصه‌های عمومی و همگانی در ایجاد هویت در شهرهای جدید نمونه موردی شهر جدید پرند. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی. سال هشتم. شماره ۳۰.
- چپ من، دیوید. (۱۳۸۴). آفرینش محلات دو مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت. ترجمه شهرزاد فرهادی و منوچهر طیبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ربانی، رسول و صفدر حبیبی. ۱۳۹۰. تحلیلی بر نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی (مطالعه

- گسترش و تقویت حمل‌ونقل عمومی با استفاده از اتوبوس، تاکسی و مترو
- ارتقاء خوانایی محله از طریق؛
- شناساندن مرز تقریبی به کمک تابلوهای ورودی و خروجی در محلات
- ساخت تندیس و یادمان‌هایی از قهرمانان، مشاهیر و اسطوره‌های محله، کشیدن تصاویر خاطره‌انگیز محله
- ترمیم و مرمت آثار باستانی و قدیمی جهت حفظ کارکرد نمادین آن‌ها
- ارتقاء پیوندهای اجتماعی محله از طریق؛
- ایجاد شرایطی به منظور تحقق تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در محله برای سهولت در امر مشارکت-پذیری ساکنان نقش مدیریت شهری در این قسمت به‌عنوان متولی بوده و امر تصدی‌گری به خود این سازمان‌های محلی سپرده می‌شود در حقیقت مدیریت شهری به‌عنوان تسهیل‌گر این جریان و هدایت‌کننده غیرمستقیم نقش بسزایی دارد.
- فرهنگ‌سازی برای مشارکت خودجوش سکنه محله
- فعال کردن شوراییاری در بعد مدیریت محله‌ای، مشارکت در حفظ بافت‌های تاریخی محله، برنامه-ریزی برای محله و اینکه از حالت سکون خارج شوند.
- ایجاد فضاهای مکث در طراحی محلات جدید ایجاد پاتوق‌ها، آلاچیق‌ها، نیمکت‌های عمومی در سطح معابر محله، تعبیه میز شطرنج و فوتبال دستی در حاشیه فضاهای سبز کوچک معابر و پارک‌های محلی
- دعوت از عناصر ذی‌نفوذ محلی جهت مشارکت در طرح‌های محلی
- ارتقاء کنترل اجتماعی محله از طریق؛
- دعوت از کاسبین محله به منظور ایجاد همکاری و گسترش فرهنگ نظارت‌های اجتماعی
- با ایجاد فضاهای قابل اعتماد در سطح محلات به گونه‌ای که ساکنین با یکدیگر در کارها و امور محله مشارکت داشته باشند در اثر استمرار این وضعیت شناخت متقابل بیشتر شده و در نتیجه کنترل اجتماعی غیررسمی موجب حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها در محله و بسط امنیت خواهد شد.

- مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. سال اول. شماره سوم. زمستان.
- معلمی، محسن. ۱۳۸۶. هویت شهری، هویت مسکونی، مفاهیم گمشده امروزی. ماهنامه راه و ساختمان. شماره ۴۸.
- مؤمنی، منصور و علی فعال قیومی. ۱۳۸۹. تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران: نشر مؤلف.
- وارثی، حمیدرضا و مهدی عامل بافنده و محمد محمد زاده. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلپهار). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. سال اول. شماره دوم. پاییز ۱۳۸۹.
- وارثی، حمیدرضا و جابر علیزاده و مریم صالحی. ۱۳۹۰. تحلیل و ارزیابی احساس هویت ساکنین در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید فولاد شهر). مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی. سال اول. شماره سوم. زمستان ۱۳۹۰.
- Altman, I. & Seta L. (ed.). (1992). Place Attachment. New York: Plenum Press.
- Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S. & Smith, G. (1985) Responsive Environment: A Manual for Designers, London: Architectural Press.
- Castelles, Manuel, (1977), The Urban Question, Cambridge, The MIT Press
- Cause. R. (۲۰۰۵). Encyclopedia of the city. New York: Routledge
- Chavis, D. M., Hogge, J. H., McMillan, D. W., Wandersman, A. (1986) "Sense of community through Brunswik's lens: a first look", Journal of Community Psychology, 14, pp. 24-40
- Farooq, A. (1999). "Social and spatial implication of community-based residential
- Hanna. A. 1958, The human condition: introduction by Margaret Canovan, 2nd ed, Originally published: Chicago : University of Chicago Press Hummon, D.M., 1981, Urban spatial interaction. London: unanimous
- Lang, Jon, 2002, Creating architectural theory, Translated by A, Einifar, , Tehran, Tehran university.
- Lewicka, Maria (2010) What Makes Neighborhood Different from Home and City? Effects of Place Scale on Place Attachment, Journal of Environmental Psychology, 30: 35-51.
- موردی شهر شهرکرد). فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات شهری. سال اول. شماره اول. زمستان ۱۳۹۰.
- سرمست، بهرام و محمدمهدی متوسلی. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران). دو فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۲۶.
- عبدالهی، مجید. و جمیله توکلی نیا و مظفر صرافی. ۱۳۸۹. بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۲. تابستان ۸۹.
- فتحعلیان، معصومه و پروین پرتوی. ۱۳۹۰. مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت‌های خودرو و برنامه‌ریزی‌شده اسلامشهر (مورد پژوهی قائمیه و واوان). نشریه مطالعات تطبیقی هنر. دو فصلنامه علمی پژوهشی. شماره اول. بهار و تابستان.
- کارمونا، متیو و تیم هیئت تراک و استیون تیسدل. ۱۳۸۸. مکان‌های عمومی فضاهای شهری ابعاد گوناگون طراحی شهری. ترجمه‌ی: فریبا قرائی. مشهد شکوهی. زهرا اهری. اسماعیل صالحی. تهران: دانشگاه هنر.
- گلکار، کوروش. ۱۳۷۹. مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. نشریه صفا دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۳۲.
- گلکار، کوروش. ۱۳۸۵. مفهوم منظر شهری. نشریه آبادی. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران. شماره ۵۳.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۷). سیمای شهر. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی. (۱۳۸۷). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مدنی پور، علی. (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی. ترجمه: فرهاد مرتضایی. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- محسنی تبریزی، علیرضا. ۱۳۸۰. نمایه پژوهش. ویژه‌نامه اعتماد. شماره اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- مظلومی، سید مازیار. ۱۳۸۹. تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری.

38 Anomy
39 Cooper Marcus
40 Canter
41 Form
42 Activity
43 Image
44 Research method
45 ANOVA

- Low, S.M. and Altman, I. (1992). Place attachment: a conceptual inquiry, in Place Attachment, pp. 1-12, Eds. Altman, I., and Low, S.M., New York: Plenum Press.
- adanipour, Ali (2010) , Whose Public Space?: International Case Studies in Urban Design and Development ,Rutledge.
- Mousavi, S. Y., 1998 Urban Neighborhoods of Tehran: The Social Relations of Residents and Their Living Place, Unpublished Thesis, Newcastle University
- Rapoport. Amos (1977). Human Aspects of Urban Form. New York: Pergamon Press
- Scannell, Leila & Gifford, Robert (2010) Defining place attachment: A tripartite organizing framework. Journal of Environmental Psychology, 30, 1-10
- Sommer Robert ,1967, "Sociofugal Space". The American Journal of Sociology 72 (6), Chicago, The university of Chicago press.

یادداشت‌ها

- ¹ Sense of belonging
- ² Identity
- ³ Social Relationships
- ⁴ Alienation
- ⁵ Travis Hirschi
- ⁶ Neighborhood belongingness
- ⁷ Sence of belonging to a place
- ⁸ Neighborhood
- ⁹ Perception
- ¹⁰ Images
- ¹¹ Human
- ¹² Population
- ¹³ Education
- ¹⁴ Occupation
- ¹⁵ Gender
- ¹⁶ Quality of Life
- ¹⁷ Security
- ¹⁸ Neighborly relations
- ¹⁹ Sommer
- ²⁰ Rapoport
- ²¹ Meaning
- ²² Jane Jacobs
- ²³ Kevin Lynch
- ³ Ian Bentley
- ²⁵ Allan Jacobs
- ²⁶ Donald Appleyard
- ²⁷ Chavis
- ²⁸ Cooperation
- ²⁹ Collaborate
- ³⁰ Sampson, R. J., and Groves, W. B.
- ³¹ Systemic social disorganization
- ³² Irregularity
- ³³ Bursik & Grasmik
- ³⁴ Farooq
- ³⁵ Intimacy
- ³⁶ Recognition
- ³⁷ Russ & Johnngins